

وحدت و انسجام ملی (اتحاد مقدس)، سد راهبردی در برابر استراتژی تفرقه افکنانه دشمن

حجت الاسلام والمسلمین حجت حسینی*

اشاره

وحدت و انسجام ملی از بنیادی‌ترین شرایط تداوم و پایداری هر جامعه به شمار می‌آید. راهبرد «تفرقه بینداز و حکومت کن» تنها شیوه استعماری به کاررفته از سوی قدرت‌های سلطه‌گر در دوران معاصر نیست، بلکه از نگاه متون دینی یکی از مهم‌ترین ابزارهای شیطان و جریان طاغوت برای فروپاشی جوامعی است که در مسیر پاسداشت ارزش‌های الهی و انسانی گام برمی‌دارند. در برابر این راهبرد تفرقه‌افکن، وحدت و هم‌افزایی ملی می‌تواند اقشار مختلف جامعه از مذاهب، قومیت‌ها و صنوف گوناگون را بر محور ارزش‌هایی چون عزت، استقلال و آزادی حقیقی گرد آورد و آنان را به نیرویی همدل و همکار بدل سازد؛ نیرویی که همانند سدی استوار در برابر امواج ویران‌کننده اختلاف و چنددستگی ایستادگی می‌کند.

سیره وحدت‌آفرین پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام

یکی از مهم‌ترین اقدام‌های پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله برای جلوگیری از شکل‌گیری هرگونه شکاف در جامعه نوپای اسلامی، ایجاد پیمان‌های رسمی وحدت‌ساز میان مسلمانان بود. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به‌خوبی می‌دانست که جامعه‌ای با پیشینه‌های متفاوت قبیله‌ای، بدون پیوندهای وحدت‌آفرین پایدار نمی‌ماند؛ از این‌رو در همان ابتدای ورود به مدینه، عقد مؤاخات (پیمان برادری) را برای تبدیل پیوندهای قبیله‌ای به پیوند برادری ایمانی میان مهاجر و انصار منعقد کرد.^۱ این پیمان به

* دانش پژوه سطح چهارم فقه و اصول حوزه علمیه قم، کارشناسی ارشد روانشناسی شخصیت دانشگاه ادیان و مذاهب.

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۱۸.

اندازه‌ای اثرگذار بود که عده‌ای از انصار حاضر شدند نیمی از اموال خود را به مهاجران ببخشند.^۱ امیر مؤمنان علیه السلام وحدت را یکی از مهم‌ترین ثمره‌های رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی می‌کند و می‌فرماید: «به برکت وجود پیامبر، خداوند کینه‌های دیرینه را دفن کرد، شعله‌های دشمنی را خاموش ساخت و مردم را با یکدیگر الفت داد و برادر گردانید».^۲

این سیره وحدت‌گرایانه، خاص پیامبر نبود، بلکه امیرالمؤمنین علیه السلام و دیگر امامان شیعه برای حفظ اصل اسلام و جلوگیری از تفرقه، در بعضی از مقاطع مختلف تاریخی، روابطی حمایتی با خلفای زمان برقرار کردند و هدف مشترک آنان پاسداری از وحدت عمومی مسلمانان بود. امیر مؤمنان علیه السلام درباره ماجرای بعد از رحلت پیامبر فرمودند: «قریش پس از پیامبر، حق ما را گرفت و به خود اختصاص داد. بعد از تأمل به این نتیجه رسیدم که صبرکردن بهتر از ایجاد تفرقه بین مسلمانان و ریختن خون آنهاست. مردم تازه‌مسلمان‌اند و کوچک‌ترین سستی، دین را تباه می‌کند».^۳

این سیره، سیاستی آگاهانه و راهبردی برای جلوگیری از نفوذ تفرقه بوده است؛ راهبردی که ریشه در رسالت پیامبر و سیره امامان دارد.

مسجد ضرار و مقابله با تفرقه افکنان

یکی از نمونه‌های قابل توجه در زمینه مراقبت از وحدت جامعه در صدر اسلام، ماجرای مسجد ضرار است؛ جایی که گروهی از منافقان به طور سازمان‌یافته مسجدی ساختند تا پایگاهی برای اختلاف، شبکه‌سازی علیه پیامبر و ایجاد شکاف در جامعه باشد. قرآن این اقدام را کفر و عناد و تفرقه کلمه بین مسلمانان و ساختن کمینگاهی برای دشمنان دیرینه خدا و رسول معرفی می‌کند: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ»^۴ و به پیامبر دستور می‌دهد مسجد را آتش زنند، بقایای آن را ویران کنند و جای آن را

۱. محمد بن یوسف الصالحی الشامی، سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیرالعباد، ج ۳، ص ۲۶۵.

۲. «فَلَمْ يَلَمْ اللَّهُ بِه الصُّدْعَ وَرَتَّقَ بِه الْفُتُقَ وَآلَفَ بِه الشُّمْلَ بَيْنَ ذَوِي الْأَرْحَامِ بَعْدَ الْعَدَاوَةِ الْوَاعِظَةِ فِي الصُّدُورِ وَ الصَّغَائِنِ الْقَادِخَةِ فِي الْقُلُوبِ» (محمد بن حسین شریف‌الرضی، نهج البلاغه، ص ۳۵۳).

۳. «لما قبض نبيه استأثرت علينا قریش بالأمر و دفعتنا عن حق نحن أحق به من الناس كافة فرأيت أن الصبر على ذلك أفضل من تفريق كلمة المسلمين وسفك دما نهم و الناس حديثو عهد بالإسلام» (عبد الحمید بن هبة‌الله ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۳۰۸).

۴. توبه: ۱۰۷.

محل ریختن زباله‌های شهر سازند.^۱ این سطح از برخورد، نشان می‌دهد که از نگاه خداوند، تفرقه انداختن به قدری گناهی بزرگ است که حتی ساختمانی با ظاهر مقدس (اگر مأموریتش ایجاد تفرقه باشد) باید از ریشه نابود شود.

این نمونه، همان حقیقتی را آشکار می‌کند که خداوند در آیه‌ای دیگر پرده از آن برمی‌دارد: «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ...».^۲ از نگاه قرآن، تفرقه افکنی فقط لغزش اجتماعی یا رفتار ناپسند اخلاقی نیست، بلکه طرحی شیطانی برای ایجاد دشمنی، پراکندن کینه‌ها و از بین بردن انسجام جامعه است.

تفرقه؛ راهبرد شیطان

یکی از راهبردهای همیشگی شیطان، ایجاد فاصله و شکاف میان انسان‌هاست. در قرآن کریم می‌خوانیم: «إِنَّ الشَّيْطَانَ يُنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا».^۳ «نزغ» به معنای وارد شدن در کاری به منظور برهم زدن و فاسد کردن آن است؛^۴ یعنی شیطان میان انسان‌ها و سوسه و تحریک می‌افکند (تا روابط آنها را فاسد کند)؛ زیرا دشمن آشکار بشر است.

این راهبرد گاه در سطح روابط فردی و خانوادگی اجرا می‌شود؛ مانند داستان هابیل و قابیل که بر اثر و سوسه شیطان، حسد و کینه در دل قابیل افتاد و نخستین خون بر زمین ریخته شد^۵ یا مانند داستان یوسف و برادران که قرآن از زبان یوسف می‌گوید: «وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي»^۶ پروردگار شما را به اینجا آورد بعد از آنکه شیطان بین من و برادرانم مداخله کرد و میان ما را به هم زد». بسیاری از فروپاشی‌های خانوادگی و نزاع‌های نزدیکان نیز از همان القائنات و سوءظن‌هایی سرچشمه می‌گیرد که قرآن آنها را «نزغ شیطان» می‌خواند. پیامبر ﷺ فرمودند: «ابلیس تختش را بر آب می‌گذارد و لشکریانش را برای ایجاد فتنه میان مردم می‌فرستد. هر شیطانی گزارش کار خود را می‌دهد، اما ابلیس آنها را ناچیز می‌شمارد تا اینکه یکی می‌گوید: "میان زن و شوهر جدایی انداختم". ابلیس او را نزدیک خود می‌نشاند و

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۳۵-۱۳۸.

۲. مانده: ۹۱.

۳. اسراء: ۵۳.

۴. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۲۴۸.

۵. مانده: ۲۷-۳۰.

۶. یوسف: ۱۰۰.

می‌گوید: تو بهترین یاورانی^۱.

این راهبرد شیطانی در سطح اجتماعی خطرناک‌تر است. تحریک دوباره دشمنی میان اوس و خزرج در مدینه از سوی یهودیان، نمونه‌ای از همین سیاست است. در شأن نزول آیات ۹۸ تا ۱۰۱ سوره «آل عمران» آمده است: روزی یکی از یهودیان معاند از کنار مسلمانان می‌گذشت، دید جمعی از طایفه «اوس» و «خزرج» که سال‌ها با هم جنگ‌های خونینی داشتند، در نهایت صفا و صمیمیت گرد هم نشسته‌اند. از دیدن این صحنه بسیار ناراحت شد و با خود گفت اگر اینها تحت هدایت پیامبر این‌گونه پیش روند، موجودیت یهود به کلی در خطر است. آن شخص به یکی از جوانان یهودی دستور داد که به جمع مسلمانان بپیوندد و حوادث خونین «بغاث» (محلی که جنگ شدید اوس و خزرج در آن نقطه واقع شد) را به یاد آنها بیاورد. این نقشه مؤثر واقع شد؛ تا جایی که بعضی از افراد طایفه «اوس» و «خزرج» سلاح برداشتند و یکدیگر را تهدید کردند. خبر به پیامبر رسید، ایشان به سرعت با جمعی از مهاجران به سراغ آنها آمد و مسلمانان را بیدار کرد. مسلمانان بعد از شنیدن سخنان پیامبر، سلاح‌ها را بر زمین گذاشتند، دست در گردن هم افکند، گریه کردند و دانستند این از نقشه‌های دشمنان بوده است.^۲

در دوران معاصر نیز سیاست‌های استعماری ادامه همان راهبرد شیطانی است؛ برای مثال اعلامیه «بالفور» (۱۹۱۷) که زمینه تشکیل رژیم صهیونیستی در قلب جهان اسلام را فراهم کرد، طرحی برای ایجاد تفرقه و نزاع پایدار میان کشورهای اسلامی بود.^۳

وحدت ملی؛ راهبردی دینی

وحدت و انسجام ملی از مهم‌ترین راهبردهای ایستادگی در برابر سیاست‌های تفرقه‌افکنانه استکبار است؛ راهبردی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بارها از سوی امام خمینی رحمته‌الله و رهبر معظم انقلاب رحمته‌الله بدان تأکید شده است. در کشوری چون ایران اسلامی با تنوع فرهنگی، زبانی و قومیتی گسترده، وحدت ملی عنصر بنیادینی در حفظ یکپارچگی و اقتدار ملی به شمار می‌رود. بر همین اساس، رهبر معظم انقلاب شعار سال ۱۳۷۹ را «وحدت ملی و امنیت ملی»، سال ۱۳۸۴ را «سال وحدت ملی و مشارکت عمومی» و سال ۱۳۸۶ را «اتحاد ملی و انسجام

۱. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۲۶۸.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۱-۲۲.

۳. رشید خالدی، جنگ صدساله علیه فلسطین، ص ۲۵-۳۰.

اسلامی» نام نهادند و تصریح کردند: «وحدت ملی، شعار اساسی و حیاتی برای کشور ماست. مخاطب این شعار نیز افراد خاصی نیستند؛ همه‌اند و آحاد مردم مسئول‌اند».^۱

راهبرد شیطان بر اساس آموزه‌های و حیانی، ایجاد شکاف، دشمنی و چنددستگی در میان جوامعی است که حامل ارزش‌های الهی و انسانی‌اند. جمهوری اسلامی ایران نیز از آغاز شکل‌گیری برای آرمان‌هایی چون عزت، استقلال، آزادی و مقابله با ظلم جهانی قیام کرده است؛ آرمان‌هایی که در حقیقت ترجمان اجتماعی ارزش‌های الهی‌اند. ازاین‌رو طبیعی است که طاغوت‌ها و شیطان‌صفتان، یکی از مهم‌ترین اهداف خود را ضربه‌زدن به انسجام این جامعه قرار داده‌اند. به همین دلیل وحدت ملی در ایران نه یک ضرورت صرفاً سیاسی، بلکه در راستای همان «وحدت الهی» است. چنان‌که امام خمینی رحمه‌الله فرمودند: «اجانب گمان نکنند که می‌توانند خللی در این وحدت ملی ایجاد کنند؛ این وحدت ملی، وحدت الهی است».^۲ در بیانی دیگر ماهیت این وحدت را الهی دانستند و فرمودند: «تفرقه از شیطان است و وحدت کلمه و اتحاد از رحمان».^۳ رهبر انقلاب نیز ارزش‌هایی چون استقلال، آزادی و وحدت ملی را آمیخته با اسلام معرفی کردند.^۴

اجتماعات وحدت‌آفرین

یکی از مهم‌ترین راه‌های ایجاد وحدت در جامعه، برگزاری اجتماعات هدفمند است؛ اجتماعاتی که افراد را حول ارزش‌های متعالی گرد هم می‌آورد. در تعالیم اسلامی حتی شخصی‌ترین عبادت‌ها نیز به جماعت توصیه شده است. نماز که لحظه توجه کامل بنده به خداست، در قالب نماز جماعت ارزش بیشتری دارد و عباداتی مانند حج، نماز جمعه، نماز عید فطر و قربان نیز ماهیتی جمعی دارند.

این تأکید همیشگی اسلام نشان می‌دهد که جامعه‌ای که بر پایه اهداف الهی شکل می‌گیرد، برای استمرار و استحکام خود نیازمند اجتماعات وحدت‌آفرینی است که دل‌ها را به هم نزدیک

۱. سیدعلی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۱/۱؛ در:

<https://khl.ink/f/3000>.

۲. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۶، ص ۸۴.

۳. همان، ج ۱۷، ص ۱۸۵.

۴. سیدعلی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۱۱/۱۹؛ در:

<https://khl.ink/f/10996>.

می‌کند. این تأکید به گونه‌ای است که امیرالمؤمنین علیه السلام همراهی خدا را با جماعت می‌داند: «فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ»^۱ یاری و برکت الهی همراه جماعت است».

از طرفی دیگر این تعالیم نشان می‌دهد که اجتماعات بزرگ و منسجم، سدی در برابر جریان‌های اختلاف‌افکن (هم از سوی انسان‌ها و هم وسوسه‌های شیطانی) به شمار می‌آیند. هر جا مردم در کنار یکدیگر قرار گیرند، زمینه سوءاستفاده دشمنان از بین می‌رود و هرگاه تفرقه و جدایی وجود داشته باشد، بستری برای اختلاف‌افکنی شیاطین جنی و انسی است؛ همان‌گونه که علی علیه السلام شخص جدای از جماعت را مانند طعمه‌ای راحت برای گرگ می‌داند و می‌فرماید: «وَإِيَّاكُمْ وَالتُّفُقَةَ، فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ، كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذِّئْبِ»^۲ از پراکندگی بپرهیزید؛ زیرا فرد جداشده از جمع، شکار شیطان است؛ همان‌گونه که گوسفند تنها طعمه گرگ می‌شود».

بر همین اساس پس از پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی رحمه الله با الهام از همین آموزه‌های اسلامی، اجتماعات گسترده‌ای همچون راهپیمایی‌های ملی و مذهبی را تقویت کردند؛ حرکت‌هایی که مردم را حول ارزش‌هایی چون استقلال، عزت، آزادی و ایمان گرد هم آورد و وحدتی عمیق و پایدار را در جامعه اسلامی شکل داد.

نمونه‌های درس آموز

یکی از تجربه‌های مهم معاصر که نشان می‌دهد نبود انسجام ملی چگونه یک کشور را به بحران می‌کشاند، سودان است. این کشور از ابتدا با تنوع گسترده قومی، قبیله‌ای و مذهبی روبرو بود. در شمال، عرب‌زبانان مسلمان و در جنوب قومیت‌های گوناگون و عمدتاً مسیحی و بومی ساکن بودند. این تفاوت‌ها اگر در چارچوب «اتحاد ملی» مدیریت می‌شد، می‌توانست فرصت باشد؛ اما تبدیل این تفاوت‌ها به مرزهای خصومت، زمینه درگیری‌های طولانی را فراهم کرد. دخالت قدرت‌های خارجی (به‌ویژه آمریکا) با حمایت از گروه‌های جنوبی و فشارهای سیاسی و تحریمی علیه دولت مرکزی، شکاف‌ها را عمیق‌تر کرد و اختلافات طبیعی را به بحران تجزیه‌طلبانه بدل نمود. در ادامه این روند، سودان به جای تقویت همبستگی داخلی، گرفتار جنگ‌های فرسایشی شد و خارجی‌ها نیز هرکدام برای منافع خود رقابت کردند. حمایت‌های

۱. محمد بن حسین شریف‌الرضی، نهج‌البلاغه، ص ۱۸۴.

۲. همان.

آشکار و پنهان آمریکا و برخی کشورهای غربی از گروه‌های جنوب به‌ویژه پس از کشف نفت، سبب سرعت گرفتن روند جدایی شد؛ در نهایت سال ۲۰۱۱، «سودان جنوبی» از پیکره اصلی جدا شد. اما این جدایی نه تنها مشکلات را حل نکرد، بلکه کشور جدید را هم وارد جنگ‌های داخلی کرد^۱

سوریه نیز تجربه‌ای درس آموز در این باره است؛ کشوری با تنوع قومی و مذهبی که شروع بحران در سال ۱۳۹۰ همراه با دخالت کشورهای خارجی (از آمریکا و اروپا تا برخی دولت‌های منطقه) باعث شد شکاف‌ها تشدید و کشور به میدان جنگ نیابتی بدل شود؛ نتیجه آن، تضعیف ساختار ملی، آوارگی میلیون‌ها نفر و ازدست رفتن تمامیت ارضی سوریه شد. این تجربه‌ها نشان می‌دهد که هرگاه انسجام ملی از دست برود، استعمارگران به اختلاف‌ها جهت می‌دهند و امنیت و بقای کشور را به خطر می‌اندازند.

وحدت ملی از نگاه رهبر انقلاب

رهبر معظم انقلاب تأکید دارند که وحدت ملی به معنای از بین رفتن اختلاف سلیقه‌ها یا هم‌رأیی سیاسی نیست. این امر نه تنها ممکن بلکه مفید هم نیست، بلکه مهم، کنار گذاشتن اختلاف‌ها در موضوعات حیاتی و منافع کشور است. در این موارد، همه اقوام، مذاهب و گروه‌ها باید در کنار یکدیگر قرار گیرند و حول اهداف مشترک متحد شوند. اتحاد، پشتوانه‌ای است برای حفظ هویت، استقلال و اقتدار ملی در برابر دشمنان.^۲

ایشان با اشاره به وجود تنوع در سلايق، عقاید و نگاه‌ها در جامعه، می‌فرمایند: «مردم می‌توانند با هم زندگی کنند، با هم کار کنند و با یکدیگر مهربانی داشته باشند؛ اما هم‌زمان باید وسوسه‌های دشمن برای ایجاد بدبینی میان مردم یا بین مردم و مسئولان خنثی شود تا این تفاوت‌ها تهدیدی برای همبستگی ملی نشوند».^۳

رهبر انقلاب در یکی از بیانات خود ضابطه وحدت ملی را مشخص می‌کنند و می‌فرمایند: «اختلاف سلیقه را دشمنی نپندارید. تفاوت در نظرها، سلیقه‌ها و حتی باورهای سیاسی یا دینی تا

۱. محمدرضا حاتمی و هادی زرگری، «نقش عوامل خارجی مؤثر در جدایی و استقلال سودان»، ص ۱۴-۱۴۱.

۲. سیدعلی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۱/۰۳/۱۴؛ در:

<https://khl.ink/f/3126>.

۳. سیدعلی خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۲/۰۲/۰۲؛ در:

<https://khl.ink/f/52602>.

زمانی که به اصول عملی نظام مربوط نباشد، نباید زمینه‌ساز جدایی، خصومت یا دشمنی میان افراد شود».^۱

پررنگ کردن ما و آنها ممنوع

وحدت زمانی اهمیت دارد که حول ارزش‌های الهی و انسانی شکل بگیرد. همه افراد یک جامعه مانند یکدیگر نیستند و برای رسیدن به اهداف، انگیزه‌ها یکسان نیست. حتی در مسیر رسیدن به اهداف، سلايق گوناگون وجود دارد. یکی از ترفندهای استکبار جهانی برای ایجاد تفرقه، تبدیل تفاوت‌های طبیعی و سلايق گوناگون به مرز دشمنی است. در جامعه اسلامی ایران نیز وضعیت به همین ترتیب است: جامعه‌ای با انگیزه‌ها و سلايق گوناگون که حول محورهای ارزشی مانند استقلال، عزت، آزادی از تسلط اجانب و معنویت شکل گرفته است.

یکی از راه‌های دشمن برای اختلاف‌افکنی در چنین جامعه‌ای، برجسته کردن تفاوت‌های طبیعی و سلايق گوناگون است. شهید سلیمانی در یکی از سخنرانی‌های خود درباره این برجسته‌سازی‌ها هشدار می‌دهد: «جامعه ما خانواده ماست، فقط رابطه انسان‌های متدین با یکدیگر معنا ندارد، بلکه رابطه انسان‌های دیندار با کسانی که دینشان ضعیف است نیز اهمیت دارد تا بتوان آنها را جذب کرد».^۲ این نگاه همان نگاه وحدت‌بخش است که بدون عدول از ارزش‌های الهی موجب انسجام ملی می‌شود.

رهبر انقلاب در دیدار خود برای بانوان کم‌حجاب، واژه «ضعیف‌الحجاب» را به کار بردند^۳ تا توجه دهند نباید کسانی که در برخی شاخص‌های دینی کاستی دارند، از جمع انقلاب خارج شوند، بلکه همین افراد در بسیاری از آرمان‌های انقلاب همچون عزت، استقلال کشور، ظلم‌ستیزی و حتی معنویت، با دیگران مشترک هستند و می‌توانند جزئی از انسجام ملی باشند.

کتاب‌نامه

۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله، شرح نهج‌البلاغه، محمد ابوالفضل ابراهیم، قم:

۱. سیدعلی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۰۶/۰۲؛ در:

<https://khl.ink/f/17075>.

۲. <https://www.aparat.com/v/e27v2s1>.

۳. سیدعلی خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۱/۱۰/۱۴؛ در:

<https://khl.ink/f/51655>.

وحدت و انسجام ملی (اتحاد مقدس)، سد راهبردی در برابر استراتژی تفرقه افکنانه دشمن ■ ۷۳

- مکتبة آيت الله المرعشي النجفي، ۱۴۰۴ ق.
۲. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ)، تهران: دنیای دانش، ۱۳۶۳ ش.
۳. حاتمی، محمدرضا و هادی زرگری، «نقش عوامل خارجی مؤثر در جدایی و استقلال سودان»، فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، س ۲، ش ۳، ۱۳۹۱ ش.
۴. خالدی، رشید، جنگ صدساله علیه فلسطین: تاریخ استعماری و مقاومت مردمی، نیویورک: انتشارات متروپولتین، ۲۰۲۰ م.
۵. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، تحقیق: صبحی صالح، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۶. الصالحی الشامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ ق.
۷. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۹. موسوی خمینی، سیدروح الله، صحیفه نور، تهران: شرکت سهامی چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱ ش.